



گرمایش جهانی از اسطوره تا واقعیت

● گرمایش جهانی نام پدیده‌ای است که منجر به افزایش میانگین دمای سطح زمین و اقیانوس‌ها می‌شود. با وجود ادعای برخی از «انکارکنندگان»، امروز به‌صورت علمی ثابت شده که گرم‌شدن کره زمین بزرگ‌ترین خطری است که محیط زیست را تهدید می‌کند. گرم‌شدن زمین سبب تغییر الگوی بارش باران و برف، افزایش سطح آب دریاهای آزاد و کاهش سطح آب دریاچه‌ها و تأثیرات عمیق بر گونه‌های مختلف گیاهان و حیوانات و سرانجام انسان‌ها خواهد شد.

طبق تحقیقات دانشمندان از زمان خشک‌سالی‌های دو دهه گذشته حدود ۴۵ کشور در معرض خشک‌سالی شدید قرار گرفته‌اند. همچنین در ۱۰۰ سال گذشته کره زمین به‌طور غیرطبیعی حدود ۰/۷۴ درجه سلسیوس گرم‌تر شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که ۱۰ مورد از گرم‌ترین سال‌های جهان تنها از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۷ به ثبت رسیده است که این میزان در ۱۵۰ سال گذشته بی سابقه بوده است. گرم‌شدن کره زمین، مهم‌ترین مسئله علمی قرن بیست‌ویکم است که ساختار اجتماع جهانی را به چالش می‌کشد. گرم‌شدن زمین تنها یک نگرانی علمی نیست و بر مسائل اقتصادی، جامعه‌شناسی، ژئوپلیتیکی و سیاست‌های بومی تأثیر می‌گذارد. گرم‌شدن زمین، حاصل افزایش چشمگیر گازهای گلخانه‌ای، از جمله دی‌اکسیدکربن در اتمسفر است؛ گازهایی که نتیجه مصرف و سوختن سوخت‌های فسیلی و تخریب جنگل‌ها هستند.

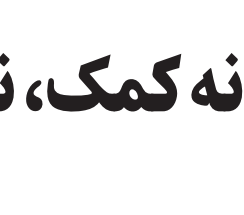
نیروگاه‌های تولید برق، صنعت حمل‌ونقل،بالایشگاه‌ها و به‌طورکلی استفاده از سوخت‌های کربنی ازجمله زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی بیشترین سهم را در تولید گازهای گلخانه‌ای دارند. همچنین نابودی و آتش‌سوزی جنگل‌ها و افزایش میزان دی‌اکسیدکربن در اتمسفر به‌عنوان یکی از دلایل گرم‌شدن دمای زمین مطرح می‌شود. گرمایش زمین هم موجب تغییرات در شرایط زیست جانداران می‌شود و هم بیخ‌های قطبی را ذوب می‌کند که علاوه‌بر تأثیر بر جانداران قطب‌ها موجب بالاآمدن سطح آب اقیانوس‌ها می‌شود. توفان، سیل،گراب، امواج هوای گرم و دوره‌های طولانی خشک‌سالی، آتشف‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی، موج مهاجرت‌های اقلیمی، ازبین‌رفتن محصولات کشاورزی و… از نتایج مستقیم این‌پدیده‌اند. کتاب «جهانی دیگر؛ با پایان‌دادن به گرمایش جهان» به سیاست‌های حاکم و تأثیرگذار بر گرمایش جهانی، فواید حاصل از آن می‌پردازد. نویسنده کتاب، جاناتان نیل، رمان‌نویس، مورخ و از سازمان‌دهندگان اصلی تظاهرات علیه تغییرات اقلیمی است. او نشان می‌دهد که راه‌حل‌هایی که نظام بازار برای مقابله با گرمایش زمین ارائه می‌کند (راه‌حلهایی مانند خرید و فروش حق انتشار کربن و پرداخت یارانه به سوخت‌های زیستی) موجب نابرابری بیشتر اقتصادی می‌شوند و در پیشگیری از تغییرات اقلیمی فاجعه‌بار ناتوان‌اند. ادعای اصلی کتاب بررسی راهکارهای پایدارساختن عدالت اجتماعی و واگذاری مسئولیت اجتماعی به محیط‌زیست‌گرایی است. نویسنده در این اثر به ارائه راه‌حل‌هایی برای پایان‌دادن به گرمایش جهانی پرداخته و معتقد است اگر در زمان مناسب اقدامات لازم را انجام ندهیم، جهانی پر از یخ‌ناه جو، قحطی، جنگ، درد و رنج در انتظار ماست. به نظر نویسنده، انسان امروز توانایی، دانش و فناوری حل معضل گرمایش زمین را دارد. اما شرکت‌های قدرتمند تولیدکننده کربن و دولت‌های نیولبرال نمی‌خواهند دست به اقدامی عملی در این زمینه بزنند. پس باید تنها نیروی را که می‌تواند در مقابل آنان بایستد، یعنی اکثریت مردم جهان، بسیج کرد تا به مقابله با سرمایه‌داری برخیزند؛ سرمایه‌داری‌ای که سود خود را مقدم بر مصالح مردم و کره زمین می‌داند. در بخشی از کتاب نویسنده به برخی از مخاطرات طبیعی زیان‌بار حاصل از گرمایش جهانی اشاره می‌کند. او طوفان کاترینا و لوئیزیانا را طوفانی که در سال ۱۹۷۰ در بنگلادش ۳۰۰ هزار نفر را کشت یا خشک‌سالی ۴۰ ساله ساحل آفریقا از اتیوپی تا مالی را نتیجه آسیب‌هایی می‌داند که انسان به چرخه طبیعی کره زمین وارد کرده است. به عقیده بسیاری از دانشمندان با افزایش آگاهی‌های عمومی، کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و مصرف بهینه انرژی، افزایش سطح فضای سبز و جلوگیری از تخریب جنگل‌ها، بازیافت مواد و استفاده از انرژی‌های جایگزین سوخت‌های فسیلی مانند توربین‌های بادی، انرژی خورشیدی، امواج اقیانوس و گرمای درون زمین می‌توان این پدیده و اثرات منفی آن بر زندگی بشر را کنترل کرد اما این تغییرات نیازمند تغییرات اساسی در ساختار اداره سیاسی و اقتصادی جهان است.

گرم‌شدن کره زمین برخی از دیگر مشکلاتی را آشکار می‌کند که جهان امروز با آنها درگیر است. این پدیده نه فقط مفهوم دولت-ملت را در برابر مسئولیت جهانی، بلکه دیدگاه کوه‌تامد سیاسی رهبران کشورها را هم زیر سؤال می‌برد. در پاسخ به این پرسش که برای جلوگیری از گرم‌شدن زمین چه کاری از دست‌مان برمی‌آید، باید بعضی از بنیادی‌ترین قوانین جامعه‌مان را درگرسون کنیم تا بتوانیم رویکردی جهانی‌تر و بلندمدت‌تر در پیش بگیریم.



نه کمک، نه وام، راه‌حل پرداخت به کشورهای فقیر است

اندیشه



تاریخ بانصدساله گذشته را می‌توان خیلی ساده این‌طور خلاصه کرد: گروهی از کشورهای اروپایی که هم مجهز به هنر خشونت و هم فناوری پیشرفته دریاوردی بودند، از این استعداد بهره گرفتند تا به دیگر سرزمین‌ها حمله و زمین، نیروی کار و منابع آنها را تصرف کنند.

رقابت بر سر کنترل سرزمین‌های دیگر مردمان، به جنگ‌های مکرر بین کشورهای استعمارگر انجامید. دکترین‌های نوین، شامل طبقه‌بندی نژادی، برتری قومی و وظیفه اخلاقی «نجات» دیگر مردمان از «توحش» و «تباهی»، برای توجیه این خشونت تدوین شدند. این دکترین‌ها به نوبه خود به نسل‌کشی انجامیدند.

برخی کشورهای اروپایی از نیروی کار، زمین و کالاهای درزیده‌شده برای تأمین سوخت انقلاب‌های صنعتی خود

استفاده کردند. برای مدیریت دامنه و ابعاد بسیار فزونی یافته معاملات، نظام‌های نوین مالی برقرار شد که در نهایت بر اقتصادهای خودشان تسلط یافتند. نخبگان اروپایی اجازه دادند که ثروت‌های غارتی به اندازه کافی نصیب نیروی کارشان شود تا آنها را سباً موفقیت در بریتانیا و عدم موفقیت در کشورهای دیگر از انقلاب بازدارند.

کشوری طولانی، تأثیر جنگ‌های مکرر همراه با شورش‌های مردم مستعمرات، کشورهای توانگر را ناچار از ترک دست‌کم رسمی بیشتر سرزمین‌های تسخیرشده کرد. این سرزمین‌ها در پی استقرار خود به‌عنوان کشورهای مستقل برآمدند. اما استقلال آنها هرگز کامل نبود. کشورهای توانگر با استفاده از بدهی بین‌المللی، تعدیل ساختارزی، کودتا، فساد (به کمک بهشت‌های مالیاتی در کشورهای دیگر و رژیم‌های پنهان‌کار)، انتقال قیمت‌گذاری و دیگر ابزارهای هوشمند به غارت فقرا، اغلب از طریق دولت‌های نیابتی‌ای پرداختند که خود نصب و تسلیم کرده بودند.

انقلاب کامل صنعتی نخست ناندسته، سپس با اطلاع کامل مقصران، زباله حاصل از تولید را وارد سامانه‌های زمین کردند. شدیدترین تأثیرات این فرایند نخست در کشورهای ثروتمند گذاشته شد که هوا و رودخانه‌های شهرهای‌شان آلوده و عمر قشر



فروست‌شان کاهش یافت. ثروتمندان به جاهایی نقل‌مکان کردند که آنها را نیالوده بودند. سپس، کشورهای ثروتمند کشف کردند که دیگر به صنایع دودزا نیازی ندارند: پس، با تأمین مالی و دادن یارانه توانستند ثروت‌هایی به هم زنند که ناشی از کسب‌وکارهای کثیف خارجی بود.

برخی از آلوده‌کننده‌ها هم نامرئی و هم جهانی بودند، ازجمله گازکربنیک که پخش نمی‌شود اما در جو زمین انباشته می‌شود. بعضا به دلیل اینکه بیشتر کشورهای ثروتمند خویشتن دارند و هم اینکه فقر شدید مستعمرات پیشین ناشی از سده‌ها غارت است، تأثیرات کارکربنیک و دیگر گازهای گلخانه‌ای را بیشتر کشورهای احساس کرده که از تولید آنها کمترین بهره را برده‌اند. اگر گفت‌وگوها در کلاسگو هنوز قرار نباشد تحت فشارهای گوناگون قرار گیرد، عدالت آب‌وهوایی باید در مرکز آنها باشد.

کشورهای ثروتمند که همواره علاقه دارند خود را نجات‌بخش نشان دهند، قسول داده‌اند که به‌مستعمرات پیشین خود کمک کنند که خود را با هرج‌ومرجی انطباق دهند که خود باعث آن بوده‌اند. از ۲۰۰۹، این کشورهای ثروتمند تعهد کرده‌اند که سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار (۷۵ میلیارد پوند) به فقیرتراها به شکل تأمین مالی برای کنترل آب‌هووا پرداخت کنند. حتی اگر پرداخت این پول

جورج مونویو · **ترجمه: شهربار خواجهان**



به واقعیت پیوسته بود، مبلغ ناچیزی می‌بود. در مقایسه، از سال ۲۰۱۵، بیست کشور قدرتمند جهان ۳۰۳ تریلیون دلار صرف پرداخت یارانه به صنایع مصرف‌کننده سوخت فسیلی کرده‌اند. گفتن ندارد که آنها در حفظ وعده فروپاشیده خود شکست خورده‌اند.

بنا بر آخرین آمارهایی که داریم، آنها در سال ۲۰۱۹ هشتاد میلیارد دلار پرداخت کرده‌اند. از این مبلغ، فقط ۲۰ میلیارد دلار برای «سازگاری» تخصیص یافت. یعنی، کمک به مردم برای سازگاری با هرج‌ومرجی ما که بر آنها تحمیل کرده‌ایم و تنها هفت درصد از این مسکن‌نوازی خست‌آمیز نصیب فقیرترین کشورهایی شد که بیشترین نیاز را به آن پول داشتند.

به جای آن، کشورهای ثروتمند پول صرف دور نگه‌داشتن مردم فراری از فروپاشی آب‌وهوایی و دیگر فجایع از کشورهای خود کرده‌اند. بین ۲۰۱۳ و ۲۰۱۸، بریتانیا تقریباً دوبرابرسر بیش از بودجه آب‌وهوایی صرف بستن مرزهای خود کرد. آمریکا ۱۱ برابر، استرالیا ۱۳ و کانادا ۱۵ برابر بیشتر صرف این‌کار کردند. کشورهای ثروتمند بر روی هم یک دیوار آب‌وهوایی به دور خود می‌کشند تا قربانیان ضایعات تولیدات خود را پس رانند.

اما طنز تلخ تأمین مالی آب‌وهوایی در اینجا

پایان نمی‌یابد، بیشتر پولی که کشورهای ثروتمند مدعی تأمین آن هستند به شکل وام است. آکسفام (کمیته آکسفورد برای کمک به قحطی‌زدگان) برآورد می‌کند که ارزش حقیقی پول تأمین‌شده، که بیشتر آن باید با بهره بازپرداخت شود، حدود یک سوم مبلغ اسمی آن است. کشورهای با بدهی بالا تشویق می‌شوند که بدهی بیشتری را تقبیل کنند تا سازگاری‌شان با فجاییی را تأمین مالی کنند که ما موجب آنهاش بوده‌ایم. این موضوع به طرز حیرت‌آور و کستخانه‌ای غیرمنصفانه است.

بی خیال کمک، بی خیال وام؛ آنچه کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر بدهکارند، غرامت است. دامنه زیان وارده ناشی از درهم‌ریختن شرایط آب‌وهوایی ایده سازگاری را به ریش‌خند می‌گیرد؛ چگونوه مردم با دماهایی بالاتر از تحمل بدن انسان، گردبادهای

مکرر و ویرانگری که خانه‌ها را به محض بازسازی نابود می‌کنند، غرق‌شدن کلیه مجتمع‌هایزیراهی خشک و پایدردن بخش‌های گسترده‌ای از زمین که کشاورزی را ناممکن می‌سازد، سازگار شوند؟ اما درحالی‌که مفهوم «زیان و خسارت» ترمیم‌ناپذیر در قرارداد پاریس به رسمیت شناخته شده، کشورهای ثروتمند اصرار داشتند که این «شامل یا تأمین‌کننده پایه‌ای برای هر نوع مسئولیت یا جبران مافات» نشود.

کشورهایی که بیشتر این فجایع را به بار آورده‌اند، با قالب‌کردن این مبلغ پیشنه‌های ناچیز به‌عنوان هدیه و نه جبران مافات می‌توانند خود را به همان سبک استعمار راستین، قهرمانانی بنمایانند که از آسمان فرود می‌آیند و جهان را نجات می‌دهند.

این فجوی سخنرانی افتتاحیه بوریس جانسون بود که چیمزبانند را در کلاسگو احضار کرد: «ما ایده‌ها داریم، فناوری داریم، بانکداران را [هم] داریم.» اما قربانیان بهره‌رکشی جهان ثروتمند نه نیازی به چیمزبانند و نه به دیگر منجیان سفید دارند. آنها نیازی به جلوه‌نمایی جانسون ندارند. آنها نیازی به صدقه مسکس‌انه وی، یا آغوش کشایی مرگ‌بار بانکدارانسی ندارند که به حزب وی پول می‌دهند. آنها به شینده‌شدن و به عدالت نیاز دارند.

منبع: گاردین

این یک امکان بسیار مهم است. اما چطور می‌توانیم کشاورزان را تشویق به این کار کنیم؟ و این کار چه تأثیراتی بر کشاورزی خواهد داشت؟ در اینجا نشانه‌ای از امید وجود دارد. در اتحادیه اروپا و نیز در ایالات متحده، طرح‌هایی هست که به کشاورزان پول می‌دهند تا هرچیزی نکلانند زیرا مازاد محصولات کشاورزی وجود دارد. این بدان معناست که برخی زمین‌ها دیگر نباید کشت شوند. به‌جای آنکه به کشاورزان پول دهیم تا چیزی نکارند زیرا به آنها پول ندهیم تا محصولات را بکارند که دی‌اکسید کربن را به زمین بازمی‌گرداند؟

اما چقدر باید کاشت تا سطح دی‌اکسید کربن در اتمسفر از ۴۰۰ به ۳۰۰ برسد؟ یا پاسخ دقیق مشخص نیست اما اینها تکنیک‌ها و تکنولوژی‌هایی‌اند که باید به خدمت گرفته شوند. یا توجه به تولید گازهای گلخانه‌ای ما باید با جدیت به این بیندیشیم که چطور دی‌اکسید کربن را از اتمسفر خارج کنیم و آن را دوباره جای اصلی‌اش یعنی زیر زمین بازگردانیم. راه آینده‌نگرانه دیگر طراحی و ساخت ماشین‌های استخراجی کربن است که کربن را زیر زمین دفن کنند. هاروی ادغان می‌کند که دیدن نمودار تغییرات غلظت کربن دی‌اکسید در ۸۰۰ هزار سال پیش همه چیز را در جهان بینی‌اش تغییر داده است. مسئله تغییرات آب‌وهوایی از چیزی که فکر می‌کرد با تکنیک‌های معمول و مداخلات عاقلانه قابل مدیریت است به چیزی رسید که مستلزم دگرگونی ریشه‌ای تمام روش‌های تفکر، تمام روش‌های انجام کارها و شیوه زندگی است. ما تنها باید مصرف سوخت‌های فسیلی و میزان انتشار کربن را به‌طور چشمگیری کاهش دهیم بلکه باید به‌طور جدی‌تر به راه‌هایی برای خارج‌کردن کربن دی‌اکسید از اتمسفر و بازگرداندن آن به‌جای خودش یعنی زیر زمین بیندیشیم. باید به‌طور جدی‌تر به مشکل تغییر آب‌هووا و انتشار کربن دی‌اکسید بیندیشیم. باید به‌طور جدی‌تر به روش‌های کنترل و مهار افزایش مداوم انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌ویژه در چین و در بازارهای نپوا در سراسر جهان بیندیشیم. اما استخراجی کربن از این‌ها متوجه، بریتانیا یا اروپا به این کشورها می‌گویند که «شما نباید این کار را بکنید» آنها به‌دردستی پاسخ می‌دهند که «۱۰ سال است که این کار را این‌قدر کردید تا به منزلت کنونی‌تان دست یافتید پس چرا ما نباید همین کار را برای ۱۰۰ سال آینده انجام دهیم؟» کربنی که هند، چین، برزیل و ترکیه تولید می‌کنند، مدام در حال افزایش بوده است. ما باید راهی بیابیم برای ایجاد توسعه اقتصادی بدون افزایش شدت کربن و مصرف روزافزون سوخت‌های فسیلی. اینها یک مسئله فوری هست که باید در تفکر و روال‌های اقتصادی و سیاسی بدان پرداخت. اما باید توجه کرد که در پس همه اینها یک مشکل بزرگ نهفته و آن انباشت سرمایه است. با این‌همه این نیروی پیش‌برنده انباشت سرمایه در چین بود که توسعه را به همان روشی ایجاد کرد که آنها در پیش گرفتند. با توجه به اینکه چین و بازارهای نوپا از راه ورود به گسترش افراطی که منجر به افزایش شدید انتشار گازهای گلخانه‌ای شد، سرمایه‌داری جهانی را از منجلاب ۸–۲۰۰۷ بیرون کشیدند؛ بنابراین می‌توان گفت که با وضعیتی مواجهیم که در آن، بقای سرمایه‌داری در گرو تدوام پروژه گسترش‌گرایانه در تمام این کشورها به هزینه انتشار شدیدتر کربن دی‌اکسید است. اما باید تأکید کرد که مشکل، غلظت از بیش موجود کربن دی‌اکسید است. جامعه جهانی باید هرچه زودتر به این مشکل بپردازد و این در گرو به‌چالش‌کشیدن نیروی پیش‌برنده‌ای است که در پس این مشکل نهفته است: نرخ‌های بی‌پایان و مرکب انباشت سرمایه.



همیاری و جامعه پایدار

● کره زمین وارد دوران خطیری شده است. به‌هم‌ریختگی وضعیت آب‌وهوایی، غارت بی‌مهار منابع طبیعی، فرسایش زمین‌های قابل کشت، تخریب بوم زیست، جنگل‌زدایی و کمبود آب، بقای زندگی را با خطر روبه‌رو کرده است. حیات وحش خاکی وارد مرحله جدید از اضمحلال انبوه و طولمدت شده است و درنهایت انسان‌ها نیز ممکن است در زمره انواع درحال فنا قرار گیرند. سرانجام اینکه شیوه توسعه کنونی همچنان نابرابری را افزایش خواهد داد و میلیاردها انسان را در فقر نگه خواهد داشت. با وجود این نشانه‌های دیگری نیز قابل مشاهده‌اند. هیچ‌گاه جمعیت جهان چنین مطلع و دارای مهارت نبوده است. هیچ‌گاه این‌چنین متحرک و متصل به شبکه جهانی نبوده و هیچ‌گاه تا این اندازه از عوامل سرنوشت‌ساز کره زمین آگاه نبوده است. این آگاهی و مهارت به‌ویژه در نسلی مشاهده می‌شود که در آستانه قرن بیست‌ویکم به بزرگسالی می‌رسیدند. آنها در فرهنگ دیجیتالِ چشم به جهان گشودند و به‌تهنایی یک گروه جهانی چندفرهنگی را تشکیل می‌دهند که باهم پیوند دارند و به یک منطق تغییر پایبندند. بندیکت منیر در کتاب «یک‌میلیون انقلاب آرام» توصیفی از اصطلاح «انقلاب آرام» به دست می‌دهد که مدتی است برای مشخص‌کردن تحولات جامعه‌های فارغ از نظام خودکامگی به کار می‌رود. در این کتاب با تجربه‌های گوناگون حیات اجتماعی آشنا می‌شویم. بدیهی است که این فرایند در کنار دیگر تحولات اجتماعی قابل‌درک است. آن‌گونه که نویسنده خود مدعی است، انقلاب آرام را می‌توان در چارچوب باینه طبقه متوسط دانست که هر همت به اصلاح جامعه و جهان بسته است. دامنه پیشرفت چنین فعالیت‌هایی را هنوز نمی‌توان با دقت ارزیابی کرد ولی از هم‌اکنون می‌توان مشاهده کرد که در سراسر جهان پدیده‌ای در حال رشد است که مهر خود را بر سرنوشت چندمیلیون مردمی زده است که به نظر می‌رسید در زیر غلنک اقتصاد نولبرال (یا به قولی لیبرال) خرد می‌شوند.

تکیه نویسنده در طول کتاب با استفاده از تجارب بومی مردم مختلف در نقاط مختلف جهان دست‌یافتن به نوعی از اقتصاد متکی به همیاری و تعاونی و کشاورزی پایدار با‌گرایش به مصرف محلی است. در ابتدا به تجارب نوآورانه مردمی در هندوستان و آمریکای لاتین برای کنترل منابع آبی اختصاص دارد و سپس به ترسیم عناصر شهرهایی می‌پردازد که ساکنانش نه مصرف‌کنندگانی منفعل بلکه پدیدآورندگان مشترک ارزش اضافی باشند. به زعم نویسنده جامعه مدنی اولین نیرویی بود که اهمیت پیامدهای وضعیت کنونی را درک کرد و دست به اقدام زد و مجموعه‌ای راه‌حل عملی برای بهبود آذوقه‌رسانی محلی و سرسرزکردن فضای زیست شهری و آماده‌سازی شهرها برای بعد از پایان نفت و نیز برای مقابله با تغییرات جوی، در عین انسانی‌ترکردن شهرها یافت و آنها را گسترش داد. این‌ابتکارات امروز در همه مناطق شهری جهان، به‌ویژه در جاهایی نتشونوما پیدا می‌کنند که دچار فقری گسترده‌اند. اداره مشترک زمین‌ها، پس‌انداز همیارانه برای زنده نگه‌داشتن کشاورزی، کشاورزی بیولوژیک، انرژی‌های پاک، اصلاح نظام بانکی و تعاونی‌های مصرف راهکارهای اصلی‌ای هستند که نویسنده در کتاب به آنها می‌پردازد. تعاونی ساختاری است که کالا یا خدمات تولید می‌کند و کارکنانش مالک مشترک سرمایه آن‌اند و تصمیم‌ها را مشترک می‌گیرند (یک عضو، یک رای) و مدیرانش را مشترک انتخاب می‌کنند. مدیرانی که مقابل جمع مسئول‌اند. بخشی از سود تعاونی الزماً بار دیگر برای توسعه آن سرمایه‌گذاری می‌شود و بخشی دیگر بین کارکنان– سهام‌داران، به‌صورت سود اجتماعی توزیع می‌شود. تعاونی با توافق اعضایش فعالیت‌های خارج از واحد تولیدی را بر پایه تعهد نسبت به جمع مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. این آخرین کار فرهنگی حیبیی است که در آخرین سال حیاتش به آن دست زد. بنا به گفته خود او این کتاب ترجمه‌ای است آزاد از کتاب «یک میلیون انقلاب آرام» با عنوان فرعی «چگونه شهروندان دنیا را تغییر می‌دهند». آزاد است به این معنی که کتاب در اصل حاوی بسیاری اسامی خاص شامل اشخاص، شرکت‌ها، انجمن‌ها، مؤسسات و… است که دانستن آنها هیچ نفعی برای خواننده ایرانی ندارد بلکه به عکس خواندن متن از دستور می‌کند. علاوه بر آن برخی توضیحات کتاب نیز به سردرگمی می‌افزاید. مترجم آگاهانه بسیاری از این‌روانده را حذف کرده است. هدف مترجم که به‌صراحت آن را بیان کرد، ولی زندگی فرصت نداد آن را به قلم آورد، انتقال تجربه‌هایی است که در دیگر نقاط دنیا به نتیجه رسیده و ممکن است در مواردی به کار خواننده ایرانی نیاید. یا حتی موارد مشابهی در ایران پیدا کند. نمونه جاه‌های تلا لاف در قشم شبیه همان شیوه باستانی است که به‌تازگی برای مبارزه با کم‌آبی در مناطقی از هند معمول شده است.

